

چهل حدیث نبوی در مناقب و فضائل امیرالمؤمنین (ع) از منابع اهل سنت



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد حمد و شکر الهی و سلام و درود فراوان بر محمد مصطفی (ص) و اهل بیت

طاهرینش

و کل شیء احصیناه فی امام مبین

و همه علوم را در امام اشکار قرار دادیم

یکی از بزرگترین نعمتهای الهی بر بشریت خلقت امیرالمومنین است. او که 63

سال زندگی کرد و در این مدت خدمات بزرگی به دین خدا نمود. او در توحید

و در همه کمالات معنوی به بالاترین درجه بعد رسول خدا دست پیدا کرد. او

عادل ترین بود. او شجاع ترین بود. او بخشنده ترین بود. او راستگوترین بود. او

خوش اخلاق ترین بود. او حلیم ترین بود. او صبورترین بود. او باتقوا ترین بود.

او مخلص ترین بود. او مومن ترین بود. او عالم ترین بود. او بلیغ ترین بود. او....

لذا الگوی انسان هایی است که می خواهند به درجات بالای بندگی برسند.

همه ما وظیفه داریم فضائل امیرالمومنین را برای هم نقل کنیم تا مردم با این

شخصیت بی نظیر آشنا بشوند و راه او را که راه رسول خدا است بروند و دنبال

راههای انحرافی نروند.

فضائل امیرالمومنین فقط در کتب علمای شیعه نقل نشده بلکه در کتب اهل سنت هم پر است از فضائل امیرالمومنین (ع)

لذا ما چهل فضیلت از فضائل امیرالمومنین (ع) از کتب اهل سنت را اینجا آورده ایم. همچنین نظر چند نفر از دانشمندان بزرگ دنیا را درباره این شخصیت بی نظیر عالم بشریت و در آخر هم نامهایی که ترکیبی از نام امیرالمومنین است و شیعیان از این نامها برای نامگذاری فرزندان خود استفاده می کنند اینجا ذکر نموده ایم. انشالله از شیعیان آن حضرت باشیم و در قیامت از حوض کوثر بدست مبارک آن حضرت سیراب شویم.

زمستان 1404. کرمانشاه

منابع حدیثی اهل سنت مملو از روایاتی است که فضائل امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام را بیان کرده اند. آنچه در زیر از نظر می گذرانید چهل حدیث برگزیده نبوی از این منابع در باره فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که برای خوانندگان محترم نقل می کنیم

1. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عليّ باب علمي ومبين لأمتي ما أرسلت به من بعدى، حبه إيمان وبغضه نفاق. (اللئالی سیوطی : ج 1 ص 173)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: **علی - علیه السلام - دروازه دانش من است و پس از من پیام های مرا برای امتم تبیین می کند. دوستی با او ایمان و دشمنی با او نفاق است.**

2.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أقدم أمتي سلماً و أكثرهم علماً و أصحابهم ديناً و أفضلهم يقيناً و أكملهم حليماً و أسمحهم كفاً و أشجعهم قلباً عليّ، وهو الإمام عليّ أمتي. (ينابيع المودة قندوزی حنفی : ص 76)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: **علی - علیه السلام - پیشتازترین در**
مسلمان شدن و پر بهره ترین در علم و خالص ترین در دین و برترین در یقین و
کاملترین در بردباری و بخشنده ترین و پردل ترین امت من است و او امام و
پیشوای امت (پس از من) است.

3. عن أبي أيوب الأنصاري قال: إن فاطمة أتت في مرض أبيها . و بكت، فقال
رسول الله صلى الله عليه واله: يا فاطمة! إن لكرامة الله إياك، زوجتك من هو
أقدمهم سلماً وأكثرهم علماً وأعظمهم حِلماً، إن الله عز وجل اطلع إلى أهل الأرض
اطلاعةً، فاختارني منهم فبعثني نبياً مرسلًا، ثم اطلع اطلاعةً فاختار منهم بعلك،
فأوحى إليّ أن أزوجه إياك وأتخذه وصياً. (ينابيع المودة: ص 93)

ابو ایوب انصاری روایت می کند که فاطمه - سلام الله علیها - در بیماری پدرش
رسول الله - صلی الله علیه و آله - به عیادت ایشان آمد و گریست. پیامبر به فاطمه
فرمود: به خاطر کرامتی که خداوند برای تو قائل شده است، **من کسی را که**
پشتتازترین امت در اسلام آوردن و فزون ترین آنها در علم و بلند مرتبه ترین آنها
در حلم است (یعنی علی علیه السلام) به ازدواج تو در آوردم. خداوند - عز و جل
- به اهل زمین نظر افکند و از میان آنها من را به عنوان پیامبر مرسل برگزید.

بار دیگر نظر اقکند و شوهر تو را برگزید و به من وحی کرد که او را به ازدواج تو در آورم و نیز به عنوان جانشین خویش برگزینم.

4. عن جابر بن عبد الله قال: كنا عند النبي صلى الله عليه واله، فأقبل عليّ فقال رسول الله: قد أتاكم أخي، ثم التفت إليّ الكعبة فمسها بيده ثم قال: والذي نفسي بيده إن هذا و شيعته هم الفائزون يوم القيامة، ثم قال: إنه أولكم إيماناً معي و أوفاكم بعهد الله و أقومكم بأمر الله و أعدلكم بالرعية و أقسمكم بالسوية وأعظمكم عند الله مزية، قال فنزلت: إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية (بيِّنهُ: 7) قال: فكان الصحابة إذا قبل عليّ قالوا: قد جاء خير البرية. (ينابيع المودة: ص 74)

جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند: نزد رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نشسته بودیم که علی بن ابی طالب - علیه السّلام - آمد. رسول خدا فرمود: برادرم نزد شما آمده، سپس رو به کعبه نموده و آن را با دست خود لمس کرد و فرمود: **به پروردگار این خانه سوگند که علی و شیعیان او در روز قیامت رستگار هستند.** سپس فرمود: او پیش از همه شما همراه من به خدا ایمان آورده و با وفاترین شما در عمل به پیمان خدا و استوارترین شما برای اجرای حکم خدا و عادل‌ترین

شما در میان مردم و منصف-ترین شما در رعایت مساوات و بزرگترین شما نزد خدا به جهت مرتبت و منزلت است. جابر گوید: آن گاه این آیه نازل شد: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، بهترین آفریدگانند)

جابر گوید: هرگاه امیرالمؤمنین علیه السلام بر جمع صحابه وارد می شد، می گفتند: خیر البریه آمد.

5. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله تبارك وتعالى اصطفاني واختارني وجعلني رسولاً وأنزل عليّ سيد الكتب، فقلت: إلهي، وسیدی! إنك أرسلت موسى إلى فرعون فسألك أن تجعل معه أخاه هارون وزيراً، يشد به عضده و يصدق به قوله، و إني أسألك يا سیدی و إلهي، أن تجعل لي من أهلي وزيراً تشد به عضدي، فاجعل لي علياً وزيراً وأخاً، واجعل الشجاعة في قلبه وألبسه الهيبة على عدوه، وهو أول من آمن بي و صدقني، وأول من وحد الله معي، و إني سألت ذلك ربي عزوجل فأعطانيه، فهو سيد الأوصياء، اللحق به سعادة و الموت في طاعته شهادة، و اسمه في التوراة مقرون إلى اسمي، و زوجته الصديقة الكبرى ابنتي، و ابنه سيدا شباب أهل الجنة ابنای، وهو وهما و الأئمة من بعدهم حجج الله على خلقه بعد النبيين، و هم أبواب العلم في أمتي من تبعهم نجا من النار، و من

اقتدی بهم هدی إلی صراط مستقیم، لم یهب الله محبتهم لعبد إلا أدخله الله الجنة.
(ینابیع المودة: ص 74)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی مرا برگزید و اختیار نمود و رسول گردانید و سید کتاب ها را بر من نازل فرمود، پس عرض کردم: ای خدا و سید و معبود من، تو موسی را به سوی فرعون فرستادی و او از تو درخواست نمود که برادرش هارون را با او همراه کنی تا وزیرش باشد و بازویش را بدو قوی گردانی و سخن او را به وی تصدیق کنی، من نیز ای خدا و سرورم از تو می خواهم از خاندانم وزیری برای من قرار دهی که بازوی مرا بدو قوی گردانی! **پس علی را وزیر و برادر من قرار ده و شجاعت را در دل وی افکن و در برابر دشمنش با هیبت گردان و او نخستین کسی است که به من ایمان آورده تصدیقم نمود و اولین کسی است که به همراه من خدا را به یکتایی می پرستید.**

من او را از پروردگارم عزوجل در خواست نمودم و او وی را به من عطا فرمود. او سید اوصیاست و همراهی با او سعادت، و مرگ در راه فرمانبرداریش شهادت است و در تورات نامش مقرون نام من است و همسرش صدیقه کبری دخت من است و دو پسرش دو سرور جوانان اهل بهشت پسران منند، او و آن ها و امامان بعد از ایشان حجت های خدا بر خلق او پس از پیامبرانند و آن ها دروازه های

علم در اُمت منند، هر کس دنباله رو آن ها باشد از آتش نجات می یابد و آن که به ایشان اقتدا کند، به سوی صراط مستقیم رهنمون گردد، و خدای عزوجل مهر آن ها را در دل بنده ای نیندازد مگر اینکه او را وارد بهشت کند.

6. قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعلی: أنت أول من آمن بی وأنت أول من يصفحنی يوم القيامة وأنت الصديق الأكبر وأنت الفاروق الذى يفرق بين الحق والباطل وأنت يعسوب المسلمين والمال يعسوب الكفار. (ينابيع المودة: ص 73)

پیامبر - صلى الله عليه و آله - خطاب به امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمود: **تو اولین کسی بودی که به من ایمان آوردی و اولین کسی هستی که در روز قیامت با من مصافحه خواهی کرد. تو صدیق اکبر و فاروقی هستی که حق را از باطل جدا می کنی. تو پیشوای مؤمنان و مال پیشوای کافران است.**

7. قال رسول الله صلى الله عليه و آله: يا على! أنت صاحب حوضی وصاحب لوائی، وحبیب قلبی ووصی ووارث علمی، وأنت مستودع موارث الأنبياء من قبلی، وأنت أمين الله على أرضه، وحجّة الله على بريته، وأنت ركن الإيمان وعمود الإسلام، وأنت مصباح الدجی ومنار الهدی، والعلم المرفوع لأهل الدنيا. يا على!

من اتَّبِعَكَ نجا ومن تخلف عنكَ هلك، وأنت الطريق الواضح والصراط
المستقيم، وأنت قائد الغر المحجلين ويعسوب المؤمنين، وأنت مولى من أنا مولاه،
وأنا مولى كل مؤمن ومؤمنه، لا يحبك إلا طاهر الولادة، ولا يبغضك إلا خبيث
الولادة، وما عرجنى ربى عزوجل إلى السماء و كلمنى ربى إلا قال: يا محمد اقرأ
علياً منى السلام، وعرفه أنه إمام أوليائى، ونور أهل طاعتى، وهنيئاً لك هذه
الكرامة. (ينابيع المودة: ص 158)

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - به على بن ابى طالب - عليه السَّلام - فرمود: **يا
على، تو صاحب حوض و پرچمدار منى و محبوب دل و وصی و وارث علم منى،
و تو خزانه ميراث پیامبران از سوى من و امين خدا بر روى زمين وى هستى و
حجّت خدا بر خلق اوى و تو ركن ايمان و ستون (خيمه) اسلام و چراغ شب
ديجور و مناره هدايتى و توى آن پرچم برافراشته براى اهل دنيا؛ هر كه از تو
پيروي كرد نجات يافت و آن كه از تو باز ماند هلاك گشت، و تو آن راه روشن
و صراط مستقيمي، و تو جلودار رو سپيدان و بزرگ مؤمنانى، و تو مولای
هر كسى هستى كه من مولای اويم و من مولای هر مرد و زن مؤمنم، جز پاكيژه
زاد تو را دوست نمى - دارد و جز پليد زاد از تو نفرت ندارد، و هرگز پروردگارم
مرا به آسمان نبرد و با من سخن نگفت مگر اينكه به من فرمود: اى محمد، سلام**

مرا به علی برسان و آگاهش کن که او پیشوای اولیای من و نور اهل طاعت من است، پس ای علی، این کرامت بر تو گوارا باد

8. قال رسول الله صلى الله عليه واله: نزل جبرائيل صبيحه يوم فرحاً مستبشراً وقال: قرت عيني بما أكرم الله أخاك ووصيك وإمام أمتك علي بن أبي طالب! قلت: وبما أكرم الله أخي؟ قال: باهى الله سبحانه بعبادته البارحة ملائكته وحمله عرشه وقال: يا ملائكتي! انظروا إلى حجتى فى أرضى كيف عفر خده فى التراب تواضعاً لعظمتى، أشهدكم أنه إمام خلقى ومولى بريتى. (ينابيع المودة: ص 92)

رسول خدا - صلى الله عليه و آله و سلم - فرمود: **یک روز صبح جبرئیل نزد من فرود آمد و گفت: به آنچه خداوند در حقّ برادر و وصیّ تو و امام امتّ علی بن ابیطالب اکرام فرمود چشمانم روشن شد. گفتم: پروردگار، برادرم را به چه چیز اکرام بخشید؟ گفت: با عبادتی که دیشب انجام داد بر فرشتگان و حاملان عرشش، مباحات و افتخار کرد. و فرمود: ای فرشتگانم! به حجّت من (پس از پیامبرم) در زمین بنگرید که چگونه صورتش را برای اظهار فروتنی در مقابل عظمتم به خاک مالید. شما را گواه می-گیرم که او امام مخلوقاتم و مولای**
آفریدگانم است.

9. قال رسول الله صلى الله عليه واله: يا علي! أنت أخي وأنا أخوك، أنا المصطفى للنبوّة وأنت المجتبي للإمامة، أنا وأنت أبوا هذه الأمة، وأنت وصي و وارثي وأبو ولدي، أتباعك أتباعي وأولياؤك أوليائي وأعداؤك أعدائي، وأنت صاحب علي الحوض، وصاحبني في المقام المحمود، وصاحب لوائي في الآخرة، كما أنت صاحب لوائي في الدنيا، لقد سعد من تولاك وشقي من عاداك، وإن الملائكة لتتقرب إلى الله بمحبتك وولايتك، وإن أهل مودتك في السماء أكثر من أهل الأرض! يا علي أنت حجة الله على الناس بعدى، قولك قولى، أمرك أمرى، نهيك نهى، وطاعتك طاعتي ومعصيتك معصيتى، وحزبك حزبي حزب الله، ثم قرأ «ومن يتول الله ورسوله والذين آمنوا فإن حزب الله هم الغالبون» (مائده: 56). (ينابيع المودة: ص 146-147)

رسول خدا - صلى الله عليه وآله - فرمود: **علي! تو برادر منی و من برادر توام، من برای نبوت برگزیده شده ام و تو برای امامت انتخاب شده ای، من و تو پدران این امت هستیم، ای علی، تو وصی و جانشین، وزیر، وارث و پدر فرزندان منی، شیعه تو شیعه من است و یاران تو یاران منند و دوستدارانت دوستداران منند و دشمنان تو دشمنان منند. ای علی، فردای قیامت، تو در کنار حوض کوثر همراه**

منی و تو در مقام ستوده همراه منی و تو پرچمدار من در آخرتی همان -طور که در دنیا پرچمدار من هستی. خوشبخت کسی است که ولایت تو را پذیرفته باشد و بدبخت آن -که با تو به دشمنی برخاست، و قطعاً فرشتگان با محبت و ولایت تو به خداوند - عز و جل - تقرّب می -جویند، به خدا سوگند که دوستداران تو در آسمان بیشتر از زمین است. ای علی، تو بعد از من حجت خدا بر مردم هستی، سخن تو سخن من و فرمان تو فرمان من است و نهی تو نهی من و اطاعت از تو اطاعت من است، نافرمانی تو نافرمانی من و حزب تو حزب من است و حزب من حزب خداست، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده : 56) (و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولیّ خود بداند [پیروز است، چرا که حزب خدا همان پیروز‌مندانند])

10. حدثنا عمرو ابن میمون، قال: إني لجالس إلى ابن عباس إذ أتاه تسعة رهط فقالوا: يا أبا عباس إما أن تقوم معنا وإما أن يخلونا هؤلاء، قال: فقال ابن عباس: بل أقوم معكم، قال وهو يومئذ صحيح قبل أن يعمى، قال: فابتدءوا فتحدثوا فلا ندري ما قالوا، قال فجاء ينفذ ثوبه ويقول أف وتف وقعوا في رجل له عشر: وقعوا في رجل قال له النبي صلى الله عليه واله: لأبعثن رجلا لا يخزيه الله أبدا يحب الله

ورسوله، قال: فاستشرف لها من استشرف، قال: أين على؟ قالوا: هو في الرحل يطحن، قال: وما كان أحدكم ليطحن، قال: فجاء و هو أرمد لا يكاد يبصر، قال: فنفت صلى الله عليه واله في عينيه ثم هز الراية ثلاثا فأعطاها إياه فجاء بصفية بنت حبي. قال: ثم بعث صلى الله عليه واله فلانا بسورة التوبة فبعث عليا خلفه فأخذها منه قال: لا يذهب بها إلا رجل مني وأنا منه. قال و قال صلى الله عليه واله لبنى عمه: أيكم يواليني في الدنيا والآخرة، قال: وعلى معه جالس فأبوا، فقال علي: أنا وأليك في الدنيا والآخرة، قال صلى الله عليه واله: أنت وليي في الدنيا والآخرة، قال فتركه ثم أقبل على رجل منهم فقال أيكم يواليني في الدنيا والآخرة، فأبوا، قال فقال علي: أنا وأليك في الدنيا والآخرة، فقال صلى الله عليه واله: أنت وليي في الدنيا والآخرة. قال: وكان أول من أسلم من الناس بعد خديجة. قال: وأخذ رسول الله صلى الله عليه واله ثوبه فوضعه على علي و فاطمة و حسن و حسين فقال: إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا (احزاب: 33) قال: وشرى على نفسه لبس ثوب النبي صلى الله عليه واله ثم نام مكانه، قال: وكان المشركون يرمون رسول الله فجاء أبو بكر وعلى نائم، قال و أبو بكر يحسب أنه نبي الله، قال فقال: يا نبي الله، قال فقال له علي: إن نبي الله قد انطلق نحو بئر ميمون فأدركه، قال فانطلق أبو بكر فدخل معه الغار، قال: وجعل على يرمى بالحجارة كما كان يرمى نبي الله وهو يتصور قد لف رأسه في الثوب لا يخرج حتى أصبح ثم كشف عن

رأسه، فقالوا: إنك للثيم كان صاحبك نرميه فلا يتضور وأنت تتضور و قد استنكرنا ذلك. قال و خرج بالناس في غزوة تبوك قال فقال له علي: أخرج معك؟ قال فقال له نبي الله صلى الله عليه واله : لا، فبكي علي، فقال له: أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنك لست بنبي إنه لا ينبغي أن أذهب إلا وأنت خليفتي. قال: وقال له رسول الله صلى الله عليه واله: أنت ولي في كل مؤمن بعدى. وقال: سدوا أبواب المسجد غير باب علي، فقال: فدخل المسجد جنبا وهو طريقه ليس له طريق غيره. قال وقال صلى الله عليه واله: من كنت مولاه فإن مولاه علي. (مسند احمد: ج 1 ص 331)

مسند احمد بن حنبل از عمرو بن ميمون روايت کرده است که گفت: من در کنار ابن عباس نشسته بودم که گروهی نه نفره نزد وی آمده و گفتند: ای ابن عباس، یا با ما بیا و یا اینکه ما را تنها بگذارید. ابن عباس گفت: من با شما خواهم آمد. راوی گوید: و در آن روز وی سالم بود و هنوز نابینا نشده بود. راوی گوید: سپس آن ها با هم به گفتگو پرداختند بی -آنکه بدانیم باهم چه گفته اند. سپس ابن عباس در حالی آمد که پیراهن خویش را می تکاند و می گفت: اُف و تف بر آنان که به مردی ناسزا می گویند و خرده می گیرند که از ده خصلت برخوردار است. از مردی عیب جویی می کنند که پیامبر - صلی الله علیه و آله - در باره وی

فرمود: «مردی را روانه میدان جنگ می‌کنم که خداوند هرگز خوارش نخواهد ساخت، خدا و رسول او را دوست می‌دارد.» پس خیلی‌ها امید داشتند خود از این شرافت برخوردار شوند، فرمود: علی کجاست؟ عرض کردند: در آسیاب مشغول آرد درست کردن است. فرمود: آیا در میان شما کسی نبود که آرد درست کند؟ راوی گوید: پس علی که از چشم درد رنج می‌برد و تقریباً چیزی را نمی‌دید، آمد. راوی گوید: پس رسول خدا از آب دهان خود بر چشمان وی مالید، سپس پرچم را سه بار به اهتزاز در آورده، آن را به علی علیه السلام داد و با همسرش صفیه بازگشت.

ابن عباس گوید: سپس فلانی (ابوبکر) را با سوره توبه فرستاد تا آن را ابلاغ کند، لیکن علی علیه السلام را در پی وی فرستاد که آن را از او گرفته و خود مأموریت را انجام دهد و به علی فرمود: «این سوره را کسی جز من یا مردی که او از من «باشد و من از او، نباید ابلاغ کند»

گوید: و به عموزادگانش فرمود: کدام یک از شما دوست و همراه من در دنیا و آخرت خواهید بود؟ و در آنجا علی علیه السلام با آن‌ها نشسته بود اما همه از پاسخ دادن امتناع کردند، سپس علی علیه السلام عرض کرد: من در دنیا و آخرت دوست و همراه شما خواهم بود. اما پیامبر توجهی به وی نفرمود، پس رو به یکی

از آن‌ها کرده و فرمود: کدام یک از شما دوست و همراه من در دنیا و آخرت خواهد بود؟ همه امتناع کردند، پس علی علیه السّلام عرض کرد: من در دنیا و آخرت دوست و همراه شما خواهم بود، آن‌گاه پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: تو دوست و همراه من در دنیا و آخرت هستی.

.گوید: و او نخستین کسی از میان مردم بود که بعد از خدیجه اسلام آورد.
گوید: و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - جامه خود را گرفته و روی علی، فاطمه، حسن و حسین - صلوات الله علیهم - انداخته، سپس فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند).

گوید: و علی علیه السلام جان خود را با خدا معامله کرد، جامه پیامبر را بر تن نمود سپس در جای وی خوابید؛ مشرکان قصد رسول خدا را داشتند. پس در حالی که علی خوابیده بود، ابوبکر آمد در حالی که گمان می‌کرد او پیامبر خداست؛ پس علی علیه السلام به وی فرمود: پیامبر به طرف چاه میمون رهسپار گشته، خود را به وی برسان؛ پس ابوبکر روانه گشت و با پیامبر وارد غار گردید. و مشرکان شروع کردند به پرتاب سنگ به طرف علی همان طور که به سوی پیامبر پرت می‌کردند و علی نیز بر خود می‌پیچید در حالی که سر خود را تا

صبح پنهان کرده بود و آن را بیرون نمی آورد و چون صبح شد سر خود را بیرون آورد، پس مشرکان به وی گفتند: به راستی که تو پستی، دوست تو را سنگ می‌زدیم بر خود نمی پیچید لیکن چون تو بر خود می‌پیچیدی این کار بر ما غریب بود.

گوید: و مردم عازم جنگ تبوک شدند، پس علی علیه السلام به پیامبر - صلی الله علیه و آله - عرض کرد: با شما بیایم؟ پس نبی خدا به وی فرمود: نه، پس علی بگریست. پیامبر به وی فرمود: آیا خوشنود نمی‌شوی که نزد من منزلت هارون از موسی را داشته باشی با این تفاوت که تو پیامبر نیستی؟ نمی‌توانم بروم مگر اینکه تو را جانشین خود (بر مدینه) کرده باشم.

گوید: و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به وی فرمود: تو پس از من ولیّ هر مرد و زن مؤمنی هستی.

گوید: و در خانه‌هایی را که به مسجد باز می‌شدند بست مگر در خانه علی علیه السلام را و علی تنها کسی بود که می‌توانست در حال جنابت از مسجد النبی بگذرد چون راه دیگری جز این راه نداشت.

گوید: و آن حضرت - صلی الله علیه و آله - فرمود: «هر کس من مولایش بوده‌ام، بی‌شک علی مولای اوست».

11. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ وَصِيَّيَّ وَخَلِيفَتِي وَخَيْرَ مَنْ أُوْتِرَكَ بَعْدِي
يَنْجِزُ مَوْعِدِي وَيَقْضِي دِينِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. (شواهد التنزيل حافظ حسانى:
ج 1 ص 98)

پیامبر - صلى الله عليه وآله - فرمود: همانا وصی من و جانشین من و بهترین کسی
که بعد از من می ماند، وعده ام را به انجام می رساند و بدهی مرا می پردازد، علی
بن ابی طالب است.

12. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما تريدون من عليّ؟ ما تريدون من عليّ؟ ما
تريدون من عليّ؟ ما تريدون من عليّ؟ إِنْ عَلِيًّا مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِيّ كُلِّ مُؤْمِنٍ
بَعْدِي. (سنن الترمذی: ج 5 ص 632)

پیامبر - صلى الله عليه وآله - فرمود: از علی چه می خواهید؟ از علی چه می
خواهید؟ از علی چه می خواهید؟ همانا علی از من و من از علی هستم و او ولی
هر مؤمن بعد از من است.

13. عن ابن عباس قال: تصدّق عليّ عليه السلام بخاتمه وهو راکع، فقال النبی
صلى الله عليه وآله للسائل: مَنْ أَعْطَاكَ هَذَا الْخَاتَمِ؟ قَالَ: ذَاكَ الرَّكَعُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ:

إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون. (سوره مائده : 55) (الدر المنثور، للسيوطي: ج 2 ص 93).

ابن عباس روایت می کند که علی علیه السلام در حال رکوع انگشترش را صدقه داد. پیامبر - صلی الله علیه و آله - از فقیر پرسید: چه کسی این انگشتر را به تو داد؟ فقیر گفت: این کس که در رکوع است. در این هنگام خداوند این آیه را نازل کرد: ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

14. قال رسول الله صلى الله عليه واله: إن الله قد فرض عليكم طاعتي ونهاكم عن معصيتي، وفرض عليكم طاعة علي بعدى ونهاكم عن معصيته، وهو وصيي ووارثي، وهو مني وأنا منه، حبه إيمان وبغضه كفر، محبه محبي ومبغضه مبغضي، وهو مولي من أنا مولاه، وأنا مولي كل مسلم ومسلمة، وأنا وهو أبوا هذه الأمة. (ينابيع المودة: ص 146)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: خداوند اطاعت از من را بر شما واجب و از نافرمانی من بازداشته است و نیز بر شما اطاعت از علی را بعد از من واجب کرده و از نافرمانی او بازداشته است. علی وصی و وارث من است. او از من و من از

اویم. دوستی با او ایمان و دشمنی با او کفر است. دوستدار او دوستدار من و نفرت از او نفرت از من است. او مولای هر کسی است که من مولای او هستم و من مولای هر مرد و زن مسلمانم. من و علی پدران این امت هستیم

15. قال رسول الله صلى الله عليه واله: كنت أنا وعلی نوراً بین یدی الله عزّ وجلّ، یسبّح الله ذلك النور و یقدّسه قبل أن یخلق الله آدم بألف عام، فلما خلق الله آدم ركب ذلك النور فی صلبه، فلم یزل فی شیء واحد، حتی افترقنا فی صلب عبد المطلب ففی النبوة و فی علیّ الخلافة. (مناقب علیّ بن ابی طالب □، ابن المغازلی شافعی: ص 87-88)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: من و علی هزار سال قبل از آفرینش آدم نوری در برابر خدای عزّوجل بودیم و آن نور خدا را تسبیح و تقدیس می کرد. چون خداوند آدم را خلق کرد این نور را در پشت او قرار داد. ما پیوسته یکی بودیم تا اینکه در صلب عبدالمطلب از هم جدا گشتیم که نبوت در من و خلافت در علی قرار گرفت.

16. إن فی علی خصالاً لو کانت واحدة منها فی رجل اکتفی بها فضلاً و شرفاً: قوله صلی الله علیه واله: من كنت مولاه فعلی مولاه، وقوله صلی الله علیه واله: علی منی کهارون من موسی، وقوله صلی الله علیه واله: علی منی وأنا منه، وقوله صلی الله

عليه واله: على منى كنفسى طاعته طاعتى ومعصيته معصيتى، وقوله صلى الله عليه
واله: حرب على حرب الله وسلم على سلم الله، وقوله صلى الله عليه واله: ولى على
ولى الله وعدو على عدو الله، وقوله صلى الله عليه واله: على حجة الله على عباده،
وقوله صلى الله عليه واله: حب على إيمان وبغضه كفر، وقوله صلى الله عليه واله:
حزب على حزب الله وحزب أعدائه حزب الشيطان، وقوله صلى الله عليه واله: على
مع الحق والحق معه لا يفترقان، وقوله صلى الله عليه واله: على قسيم الجنة والنار،
وقوله صلى الله عليه واله: من فارق علياً فقد فارقنى ومن فارقنى فقد فارق الله،
وقوله صلى الله عليه واله: شيعه على هم الفائزون يوم القيامة. (ينابيع المودة: ص
65 ب7)

قندوزى حنفى در كتاب خود ينابيع الموده مى نويسد: در على بن ابى طالب -
عليه السلام - ويژگى هاى است كه اگر يكى از آنها در فردى باشد براى فضيلت
و شرافت او كافى است. اين فضيلتها عبارتند از: اين سخن پيامبر - صلى الله عليه و
آله - كه: هر كس من مولاي او هستم، على مولاي اوست. و اين سخن پيامبر:
نسبت على با من مانند نسبت هارون با موسى است. و اين سخن پيامبر: على از من
است و من از على هستم. و اين سخن پيامبر: على مانند نفس من است، اطاعت او
اطاعت من و نافرمانى او نافرمانى من است. و اين سخن پيامبر: جنگ با على

جنگ با خداست و صلح با علی صلح با خداست. و این سخن پیامبر: دوست علی دوست خدا و دشمن علی دشمن خداست و این سخن پیامبر: علی حجت خداوند بر بندگانش است و این سخن پیامبر: دوستی علی ایمان و دشمنی با او کفر است. و این سخن پیامبر: حزب علی حزب الله و حزب دشمنان علی حزب شیطان است. و این سخن پیامبر: علی با حق است و حق با علی است که هرگز از هم جدا نمی شوند. و این سخن پیامبر: علی تقسیم کننده بهشت و جهنم است و این سخن پیامبر: آن کس از علی جدا شود از من جدا شده است و هر کس از من جدا شود، از خداوند جدا شده است. و این سخن پیامبر: علی و شیعیانش در قیامت رستگارانند.

17. قال رسول الله صلى الله عليه واله: ستكون من بعدى فتنه، فإذا كان ذلك فالزموا علي بن أبي طالب، فإنه أول من يرانى وأول من يصفحنى يوم القيامة وهو معى فى السماء الأعلى وهو الفاروق بين الحق والباطل. (تاريخ دمشق لابن عساكر، ج 42 ص 450)

پیامبر - صلى الله عليه و آله - فرمود: پس از من فتنه ای رخ خواهد داد، پس هر گاه چنین شد با علی بن ابی طالب همراه شوید. او اولین کسی است در قیامت مرا

می بیند و با من مصافحه می کند. او با من در آسمان اعلی است. او جدا کننده

بین حق و باطل است

18. عن أبي ثابت مولى أبي ذر قال: كنت مع عليّ عليه السلام يوم الجمل فلما رأيت عائشة واقفة دخلني بعض ما يدخل الناس، فكشف الله عني ذلك عند صلاة الظهر، فقاتلت مع أمير المؤمنين عليه السلام فلما فرغ ذهبت إلى المدينة، فأتيت أم سلمة فقلت: إني والله ما جئت أسأل طعاماً ولا شرباً ولكنني مولى لأبي ذر. فقالت: مرحباً، فقصصت عليها قصتي، فقالت: أين كنت حين طارت القلوب مطائرها؟ قلت: إلى حيث كشف الله ذلك عني عند زوال الشمس. قالت: أحسنت، سمعت رسول الله صلى الله عليه واله يقول: عليّ مع القرآن والقرآن مع عليّ لن ينفركا حتى يردا عليّ الحوض (المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 124)

از ثابت غلام ابوذر روایت شده است که گفت: با امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل حاضر شدم. چون عایشه را در پیش صف مخالفان دیدم شکی در دل من پیدا شد چنانکه اکثر مردم به آن سبب در شک افتاده بودند. هنگام نماز ظهر حق تعالی پرده شک را از دل من برداشت و در لشکر امیرالمؤمنین مشغول جنگ با مخالفان شدم. بعد از آن به نزد ام سلمه همسر رسول خدا - صلی الله علیه و آله - آمدم و به او گفتم سوگند به خدا برای خوردنی و نوشیدنی نزد شما نیامده

ام. من غلام ابوذر هستم. ام سلمه گفت: خوش آمدی. آن گاه قصه خود را برای او نقل کردم. پس گفت: در وقتی که مرغ دلها از آشیانه های خود پرواز کرده بودند چه کردی؟ گفتم: هنگام زوال خورشید و نماز ظهر خداوند آن حجاب تردید را از دلم برداشت. ام سلمه گفت: کار خوبی کردی. من از رسول خدا شنیدم که می گفت: علی با قرآن است و قرآن با علی و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر به نزد من آیند

19. قال رسول الله صلى الله عليه واله في مرض موته: أيها الناس يوشك أن أقبض قبضاً سريعاً فينطلق بي وقد قدمت إليكم القول معذرةً إليكم، ألا إني مخلف فيكم كتاب ربّي عزّ وجلّ وعترتي أهل بيتي، ثمّ أخذ بيد عليّ عليه السلام فرفعها فقال: هذا عليّ مع القرآن والقرآن مع عليّ لا يفترقان حتى يردا عليّ الحوض فاسألهما ما خلفت فيهما. (الصواعق المحرقة، ابن حجر: ص 75)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در بیماری آخر خود که به رحلت آن حضرت انجامید، فرمود: ای مردم! به زودی خداوند روح مرا خواهد گرفت و از میان شما خواهم رفت. این سخن را برای اتمام عذر و حجت با شما در میان نهادم. بدانید که من پس از خود، کتاب خدا و عترت و اهل بیت را به جا می گذارم. سپس

دست علی را گرفت و بالا برد و فرمود: علی با قرآن است و قرآن با علی. این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.
من از این دو (قرآن و علی) درباره برخوردی که با آنها شده است خواهم پرسید

20. قال رسول الله صلى الله عليه واله لعلی عليه السلام: جعلتك علماً فیما بینی و بین أمتی، فمن لم يتبعك فقد كفر. (تاریخ دمشق ابن عساکر، ج 42 ص 388)
رسول خدا - صلی الله علیه و آله - خطاب به علی علیه السلام فرمود: **من تو را پرچم (هدایت) بین خود و امتم قرار دادم، پس هر کس از تو پیروی نکند، کافر شده است.**

21. قال رسول الله صلى الله عليه واله: من أطاعنی فقد أطاع الله، ومن عصانی فقد عصی الله، ومن أطاع علیاً فقد أطاعنی، ومن عصی علیاً فقد عصانی. (المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 121)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: **آن کس که از من اطاعت کند، خداوند را اطاعت کرده است و آن کس که از من نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده**

است و آن کس که علی را اطاعت کند، از من اطاعت کرده است و آن کس که از علی نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است.

22. قال رسول الله صلى الله عليه واله: من آمن بي وصدقني فليتولّ علي بن أبي طالب عليه السلام فإنّ ولايته ولايتي وولايتي وولاية الله. (تاريخ دمشق ابن عساكر، ج 42 ص 239)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: هر کس به من ایمان آورده و مرا تصدیق کرده است باید به ولایت علی بن ابی طالب گردن نهد چرا که ولایت او ولایت من است و ولایت من ولایت خداوند است.

23. قال رسول الله صلى الله عليه واله: من سرّه أن يحيى حياتي ويموت مماتي ويسكن جنات عدن التي غرس فيها قضيباً ربّي، فليوال عليّاً وليوال وليه، وليقتد بالأئمة من ولده من بعده، فإنهم عترتي خلّقوا من طينتي، ورزقوا فهماً وعلماً، وويل للمكذّبين بفضلهم من أمتي، القاطعين فيهم صلتی، لا أنالهم الله شفاعتي. (ينابيع المودة: ص 151)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: هر که خوشحال می شود به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و ساکن بهشت عدنی شود که درخت آن را پروردگارم غرس نموده، پس بعد از من علی را و دوست او را دوست بدارد و به ائمه بعد از او که از نسل او هستند، اقتدا کند، زیرا ایشان عترت منند که از سرشت من خلق شده اند و فهم و علم روزیشان شده است. وای بر تکذیب کنندگان فضایلشان از امت من و قطع کنندگان رابطه من! خداوند شفاعت مرا به ایشان نرساند.

24. قال رسول الله صلى الله عليه واله لعلی علیه السلام: إذا كان يوم القيامة، يؤتى بك يا علی بسریر من نور، وعلی رأسک تاج، قد أضاء نوره وکاد یخطف أبصار أهل الموقف، فیأتی النداء من عند الله جل جلاله: أين وصی محمد رسول الله؟ فتقول: ها أنا ذا. فینادی المنادی: أدخل من أحبك الجنة وأدخل من عاداك فی النار، فأنت قسیم الجنة والنار. (ینابیع المودة: ص 96)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به علی - علیه السلام - فرمود: وقتی هنگامه قیامت بر پا شود تو را با تختی از نور حاضر می کنند در حالی که بر سرت تاجی از نور است که نور آن چنان تابناک است که نزدیک است چشمان اهل محشر را

خیره و تار کند. پس صدایی از جانب خداوند می پرسد: جانشین محمد رسول
خدا کجاست؟ تو می گویی: من اینجایم. آن گاه منادی ندا می دهد که هر کسی
را که دوست دارد به بهشت ببر و هر کس را با تو دشمنی ورزیده است به جهنم
ببر که تو تقسیم کننده بهشت و جهنم هستی

25. نظر النبی صلی الله علیه واله إلى علی علیه السلام فقال: هذا وشيعته هم
الفائزون يوم القيامة. (تاریخ دمشق ابن عساکر، ج 42 ص 333)
پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام نظر کرد و فرمود: **تنها علی و شیعه**
او رستگاران در روز قیامتند

26. قال رسول الله صلی الله علیه واله: أوصی من آمن بی و صدقنی بولایة علی بن
أبی طالب، فمن تولاه تولائی، ومن تولائی تولی الله. (تاریخ دمشق ابن عساکر،
ج 42 ص 239)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: **هر کس را که به من ایمان آورده و مرا**
تصدیق کرده است، به ولایت علی بن ابی طالب سفارش می کنم. پس هر کس

ولایت علی را بپذیرد ولایت من را پذیرفته و پذیرش ولایت من به معنای پذیرش
ولایت خداوند است.

27. قال رسول الله صلى الله عليه واله: عليّ خير البشر، من أبي فقد كفر. (تاریخ
دمشق ابن عساکر، ج 42 ص 372)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: **علی - علیه السلام - بهترین انسان است، هر
کس از پذیرش ولایت او سرباز زند، کافر است.**

28. وعن عائشة، قالت: قال رسول الله صلى الله عليه واله وهو في بيتها لما حضره
الموت: ادعوا لي حبيبي، فدعوت له أبابكر، فنظر إليه ثم وضع رأسه، ثم قال: ادعوا
لي حبيبي، فدعوا له عمر، فلما نظر إليه وضع رأسه، ثم قال: ادعوا لي حبيبي،
فقلت: ويلكم ادعوا له عليّ بن أبي طالب، فوالله ما يريد غيره، [فدعوا عليّاً فأتاه]
فلما رآه أفرد الثوب الذي كان عليه ثم أدخله فيه، فلم يزل يحتضنه حتى قبض
صلى الله عليه واله ويده عليه (تاریخ دمشق ابن عساکر، ج 42)

از عائشه روایت شده که گفت: چون وقت وفات پیامبر - صلی الله علیه و آله -
فرا رسید در حالی که در خانه اش بود، فرمود: دوستم را به نزد من بخوانید. پس

ابوبکر را صدا زدم. پیامبر نگاهی به ابوبکر انداخت سرش را برگرداند و دوباره فرمود: دوستم را به نزد من بخوانید. عمر را صدا زدند و چون نگاهش به عمر افتاد، دوباره فرمود: دوستم را به نزد من فرا بخوانید. پس من گفتم: وای بر شما. علی بن ابی طالب را صدا بزنید. به خدا قسم منظور پیامبر کسی غیر او نیست. چون علی - علیه السلام - را دید جامه ای که بر رویش بود به روی او کشید و او را وارد آن کرد و پیوسته در کنار پیامبر بود تا اینکه پیامبر جان داد در حالی که دست پیامبر بر بدن امیرالمؤمنین بود.

29. قال رسول الله صلى الله عليه واله: ضربه على يوم الخندق أفضل من أعمال أمتي إلى يوم القيامة. (ينابيع المودة: ص 163)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: **ضربت علی در روز نبرد خندق از همه اعمال (نیک) امت من تا روز قیامت با فضیلت تر است**

30. عن البراء بن عازب قال: أقبلنا مع رسول الله صلى الله عليه واله في حجة التي حج فنزل في بعض الطريق فأمر الصلاة جامعة فأخذ بيد علي عليه السلام فقال: أأنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم، قالوا: بلى، قال: أأنت أولى بكل مؤمن من

نفسه، قالوا: بلی، قال: فهذا ولی من أنا مولاه اللهم وال من والاه اللهم عاد من عاداه
(سنن ابن ماجه: ج 1 ص 43 - مسند احمد، حدیث: 906)

براء بن عازب روایت می کند که ما در حجه الوداع با رسول الله - صلی الله علیه و
آله - بودیم که در میانه راه فرود آمد و فرمود تا همه حاجیان همراه او جمع
شوند. آنگاه دست علی - علیه السلام - را گرفت و بلند کرد و فرمود: آیا من
سزاوارتر به مؤمنین از خودشان نیستم؟ جمعیت فریاد زد: بله، باز حضرت فرمود:
آیا من سزاوارتر به هر مؤمنی از خودش نیستم؟ همه پاسخ دادند: بله چنین است.
آنگاه فرمود: این (علی) ولیّ هر کسی است که من مولای او هستم. خدایا با هر
که با او دوستی کرد (و ولایت او را پذیرفت)، دوستی کن و با هر که با او
دشمنی کرد، دشمنی کن.

31. قال رسول الله صلی الله علیه واله: من آذى علیا فقد آذانی (مسند أحمد:
حدیث 15394)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: هر کس علی را بیازارد من را آزرده است

32. عن أم سلمة: أن النبي صلى الله عليه وآله جلى على على وحسن وحسين وفاطمة كساء ثم قال: اللهم هؤلاء أهل بيتى وخاصتى اللهم أذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا، فقالت أم سلمة: يا رسول الله أنا منهم؟ قال: إنك إلى خير. (مسند احمد: حديث 25383)

ام سلمه روايت مى كند كه پيامبر صلى الله عليه وآله عبايى را بر على و حسن و حسين و فاطمه - صلوات الله عليهم - افكند و فرمود: **خداوندا! اينان اهل بيت و برترين افراد من هستند. خدايا از آنان پليدى را ببر و به بهترين شكل پا كيزه شان گردان. ام سلمه مى گويد: به رسول خدا عرض كردم: آيا من هم از آنها هستم. حضرت فرمود: نه اما تو در مسير خير و هدايت هستى.**

33. عن أم سلمة قالت: والذي أحلف به أن كان على لأقرب الناس عهداً برسول الله صلى الله عليه وآله قالت: عدنا رسول الله صلى الله عليه وآله غداة بعد غداة، يقول: جاء على؟ مراراً وأظنه كان بعثه فى حاجة فقالت: فجاء بعد فظننا أن له إليه حاجة فخرجنا من البيت فقعدنا عند الباب فكنت من أدناهم إلى الباب فأكبّ عليه على فجعل يساره و يناجيه ثم قبض صلى الله عليه وآله من يومه ذلك، فكان أقرب الناس به عهداً (تاريخ دمشق ابن عساكر، ج 42 ص 394)

از اُمّ سلمه روایت شده که گفت: سوگند به آنکه به وی سوگند یاد می‌کنم
علی نزدیک‌ترین فرد از مردم به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بود. هر روز
صبح که رسول الله را ملاقات می‌کردیم می‌فرمود: علی آمد؟ و بارها آن را
تکرار می‌فرمود. گمان می‌کردم که وی را در پی کاری فرستاده است. سپس
آن روز علی آمد، پس گمان کردم که با وی کاری شخصی دارد از این رو از
خانه خارج شدیم و کنار در نشستیم. و من از همه به در نزدیک‌تر بودم. پس
علی علیه السلام به طرف وی خم گشت و سپس رسول خدا شروع کرد در
گوشی با وی سخن گفتن تا اینکه رسول خدا در همان حال از دنیا رفت و بدین
ترتیب وی نزدیک‌ترین مردم به پیامبر - صلی الله علیه و آله - بود.

34. قال رسول الله صلى الله عليه واله لعلی: أما ترضی أن تكون منی بمنزلة هارون
من موسى إلا أنه لا نبي بعدی و لو كان لکنته (تاریخ دمشق ابن عساکر، ج 42
ص 176)

پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - به علی - علیه السلام - فرمود: آیا خشنود نمی
شوی که جایگاه تو نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی باشد جز آن
که بعد از من پیامبری نیست که البته اگر بود، آن پیامبر تو بودی.

35. قال رسول الله صلى الله عليه واله: مثلى و مثل علىّ مثل شجرة، أنا أصلها وعلىّ فرعها والحسن والحسين ثمرها، والشيعة ورقها، فهل خرج من الطيّب إلا الطيّب؟
(تاريخ دمشق ابن عساكر: ج 42 ص 384)

پیامبر - صلى الله عليه و آله - فرمود: **مثل من و مثل على مثل درختی است که من ریشه (و تنه) آن و على شاخه آن و حسن و حسین میوه آن و شیعه برگهای آنند.**
پس آیا از پاکیزه جز پاکیزه به دست می آید؟

36. قال رسول الله صلى الله عليه واله: يا على، أنا مدينة العلم وأنت بابها، ولن تُؤتى المدينة إلا من قبل الباب، وكذب من زعم أنه يحبني و يبغضك، لأنك مني وأنا منك، لحمك من لحمي، ودمك من دمي، وروحك من روحي، و سريرتك من سريرتي، وعلانيتك من علانيتي، سعد من أطاعك وشقي من عصاك، و ربح من تولاك وخسر من عاداك، فاز من لزمك وهلك من فارقك، مثلك ومثل الأئمة من ولدك بعدى مثل سفينة نوح، من ركبها نجا ومن تخلف عنها غرق، ومثلكم كمثل النجوم كلما غاب نجم طلع نجم إلى يوم القيامة. (ينابيع المودة: ص 36)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: ای علی! من شهر علمم و تو در آن هستی و هرگز وارد شهر جز از در آن نمی توان شد. دروغ می گوید آن که گمان می برد من را دوست دارد اما با تو دشمن است. چون تو از منی و من از توام. گوشت تو گوشت من و خون تو خون من است. روح تو از روح من و باطن تو باطن من و آشکار و ظاهر تو ظاهر من است. سعادت مند شد آن که از تو اطاعت کرد و بدبخت شد آن که نافرمانی ات کرد. سود برد آن که ولایت و دوستی تو را پذیرفت و زیان کرد آن که با تو دشمنی ورزید. آن کس که همراه تو شد، رستگار شد و آن کس که از تو جدا شد، هلاک شد. مثل تو و مثل امامان از نسل تو بعد از من مثل سفینه نوح است که هر کس در آن در آمد نجات یافت و هر کس از آن جا ماند، غرق شد. همچنین مثل شما مثل ستارگان است که هر ستاره ای غائب شود ستاره ای دیگر طلوع می کند و این تا روز قیامت ادامه دارد.

37. وعن أنس بن مالك قال: كنت جالسا مع النبي صلى الله عليه وآله إذ أقبل عليّ ابن أبي طالب عليه السلام فقال النبي صلى الله عليه وآله: يا أنس أنا وهذا حجّة الله عليّ خلقه. (تاریخ دمشق ابن عساکر، ج 42 ص 308)

انس بن مالک می گوید: من نزد پیامبر - صلی الله علیه و آله - نشسته بودم که علی بن ابی طالب آمد. پیامبر فرمود: ای انس! من و این (علی) حجت خداوند بر مخلوقاتش هستیم.

38. قال رسول الله صلى الله عليه واله: عليّ منّي مثل رأسی من بدنی (مناقب علیّ بن ابی طالب : ص 92)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: **علی نسبت به من مانند سر من نسبت به بدنم است.**

39. قال رسول الله صلى الله عليه واله: عنوان صحیفه المؤمن حب علی بن ابی طالب. (ینایع الموده: ص 105)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: **عنوان صحیفه مؤمن دوستی علی ابن ابی طالب است.**

40. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عليّ عليه السلام أفضى أمتي بكتاب الله، فمن أحبني فليحبّه، فإن العبد لا ينال ولايتي إلاّ بحبّ عليّ عليه السلام. (تاريخ دمشق ابن عساکر، ج 42 ص 241)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: **علی - علیه السلام - مسلط ترین و آگاه ترین فرد نسبت به قرآن است. پس هر که من را دوست دارد باید او را نیز دوست داشته باشد. همانا هیچ بنده ای به ولایت من دست پیدا نمی کند مگر با دوست داشتن علی**

فضایل علی (علیه السلام) از زبان اندیشمندان غیر مسلمان

بی نظیری علی (علیه السلام)

مادام دیالافوا - سیاح فرانسوی - گوید : « احترام علی (علیه السلام) در نزد شیعه به منتهی درجه است ، و حقاً هم باید این طور باشد ؛ زیرا این مرد بزرگ علاوه بر جنگ ها و فداکاری ها که برای پیشرفت اسلام کرد ، در دانش ، فضایل ، عدالت و صفات نیک بی نظیر بود ، و نسلی پاک و مقدس هم از خود باقی گذارد . فرزندانش نیز از او پیروی کردند ، و برای پیشرفت مذهب اسلام مظلومانه تن به شهادت دادند . امیرالمومنین علی (علیه السلام) کسی است که همه ی بت هایی را که اعراب ، شریک خدای یگانه می پنداشتند شکست ، و وحدت و یگانه پرستی را تبلیغ کرد . علی کسی است که تمام اعمال و رفتارش نسبت به

مسلمانان منصفانه بود . علی (علیه السلام) کسی است که تهدید و نویدش قطعی بود . « مادام دیالافوای مسیحی » در ادامه ی این بحث ، خطاب به خود چنین می گوید :

چشمان من ! گریه کنید و اشک های خود را با آه و ناله ی من مخلوط نمایید ! و برای اولاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) که مظلومانه شهید شدند ، عزاداری کنید (1) . »

علی (علیه السلام) دارای بزرگواری و شرافت نفس

ژنرال سرپرسی سایکس - از مشاهیر خاورشناسان انگلیسی - می گوید : « او [علی بن ابیطالب (علیه السلام)] از میان خلفا به شرافت و بزرگواری نفس مشهور ، و به غایت مراقب حال زیردستان خود بود . القائات فرستاده ها و نماینده ها در او تأثیری نداشت . به هدیه های آنان ترتیب اثر نمی داد ، با حریف مکار و غدار خود معاویه ابداً طرف نسبت نبود که برای رسیدن به مقصودی که داشت سخت ترین جنایات را مرتکب شده و رذل ترین وسایل را برای پیشرفت خودش بر می انگیخت . دقت و مراقبت های خیلی سخت او [علی (علیه السلام)] در امانت و دیانت باعث شده بود که اعراب حریص که تمام امپراطوری را غارت کرده

بودند از وی ناراضی باشند . لیکن صداقت ، صحت عمل ، دوستی کامل ، ریاضت ، عبادت از روی صدق ، خلوص یا تجرد، وارستگی ، آداب و خصایل محموده ی قابل توجهی که در او وجود داشت حقیقتاً صورت قابل ستایشی به وی داده بود . این که اهالی ایران در او مقام ولایت قایل شده و او را به اصطلاح سرپرست حقیقی و مربی الهی می دانند واقعاً این قاعده قابل تحسین و شایان بسی (2) . « تمجید است . اگر چه مقام و مرتبه ی او خیلی بالاتر از این ها است

تنها راه چاره ، دوست داشتن علی (علیه السلام)

جانین - شاعر آلمانی - گوید : « علی (علیه السلام) را جز آن که دوست نداریم و شیفته او باشیم چاره ای نداریم ؛ زیرا جوان شریف و بزرگواری بود ، وجدان پاکی داشت که از مهربانی و نیکی لبریز بود ، و قلبش مملو از یاری و فداکاری بود ، و از شیر شرزه شجاع تر بود ، ولی شجاعتی ممزوج با رقت ، لطف ، (3) . « دلسوزی ، مهر و عاطفه

برترین افراد عرب

پروفسور استانیسلاس - گوریارد - فرانسوی - گوید : « معاویه از بسیاری جهات

برخلاف قواعد اسلام رفتار کرده است ، چنان که با علی بن ابی طالب (علیه السلام) که پس از پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بزرگ ترین ، شجاع ترین ، پرهیزگارترین ، فاضل ترین ، و خطیب ترین افراد عرب به شمار می رفت ، در (4) . « افتاد

تخطی نکردن علی علیه السلام از راه راست

جرجی زیدان - نویسنده و دانشمند مسیحی عرب - گوید : « معاویه و دوستانش

برای پیشرفت مقاصد فردی خود از هیچ جنایتی دریغ نداشتند ، اما علی (علیه السلام) و همراهان او ، هیچ گاه از راه راست ، و دفاع از حق و شرافت ، تخطی (5) . « ... و تجاوز نمی کردند

بالا تر از مسیح (علیه السلام)

جرجی زیدان : « اگر بگویم مسیح از علی (علیه السلام) بالاتر است عظم اجازه نمی دهد ، و اگر بگویم علی (علیه السلام) از مسیح بالاتر است دینم اجازه نمی (5) . « دهد

پهلوانی در عین دلیری دلسوز و رقیق القلب

بارون کاردایفو - دانشمند فرانسوی - گوید : « علی (علیه السلام) مولود حوادث نبود ، بلکه حوادث را او به وجود آورده بود ؛ اعمال او مخلوق فکر و عاطفه و مخیله ی خود اوست ؛ پهلوانی بود در عین دلیری دلسوز و رقیق القلب ، و شہسواری بود کہ هنگام رزم آزمایی ، زاهد از دنیا گذشتہ بود . بہ مال و منصب دنیا اعتنایی نداشت ، و در حقیقت جان خود را فدا نمود . روحی بسیار عمیق . » داشت کہ ریشہ ی آن ناپیدا بود و در ہر جا خوف الہی او را فرا گرفتہ بود .

(6)

پای بند دین در حد شور و عشق

ایلیا پاولویچ - پطروشفسکی مورخ و خاور شناس روسی - گوید : « علی (علیه السلام) ، پرورده ی محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ) عمیقاً بہ وی در امر اسلام وفادار بود . علی (علیہ السلام) تا سر حد شور و عشق پای بند دین ، صادق و راستگو بود . در امور اخلاقی بسیار خردہ گیر بود . ہم سلحشور بود و ہم شاعر ، (7) . » ... و ہمہ ی صفات لازمہ ی اولیاء اللہ در وجودش جمع بود

شجاع بی همتا و قهرمان یکه تاز

بارون کارادوو - مورخ و محقق فرانسوی - گوید : « علی (علیه السلام) آن

شجاع هبی همتا و قهرمان یکه تازی بود که پهلوی به پهلوی پیامبر می جنگید. و به اعمال برگزیده و معجزه آسایی قیام نمود ؛ در معرکه ی بدر ، بیست ساله بود که با یک ضرب دست ، یکه سوار قریش را دو نیم کرد؛ در احد شمشیر پیامبر (ذوالفقار) را به دست گرفت و بر سرها ، خود (کلاهخود) می شکافت و بر تن ها جوشن می درید ، و در یورش بر قلعه های یهود خیبر ، با یک دست دروازه سنگین آهنین را از جای کند ، و آن را بالای سر خود سپر ساخت . و اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، او را بسیار دوست می داشت و به او بسی وثوق داشت . روزی به سوی علی (علیه السلام) اشاره کرد و گفت : « من کنت مولاه فعلی (8) . » مولاه

بسیار زیرک و سریع الادراک

جرج جرداق - نویسنده ی مسیحی عرب - می گوید : « علی بن ابی طالب (علیه

السلام) - در منبر ، با آرامش خاطر و اعتماد کامل به خویشتن و سخن عادلانه ی خود ، می ایستاد و سخن می گفت : او بسیار زیرک و سریع الادراک بود . و راز

دل مردم ، هوس ها و خواست های درونی آنان را به خوبی می دانست . دلی داشت مالا مال از مهر ، آزادی ، انسانیت و فضیلت ، ... علی بن ابی طالب (علیه) (9) . « السلام) با راستی و راست گویی در زندگی شناخته شد و امتیاز یافت واقعاً سزاوار است که در جهان امروز ، آتش افروزان جنگ ، عوامل و مسببان « بدبختی های ملت ها و افراد ، به سخنان و کمک قهرمان اندیشه ی عربی ، بزرگ مرد وجدان انسانی علی بن ابی طالب (علیه السلام) گوش فرا دهند و آن ها را « حفظ کنند و در مقابل گوینده ی بزرگ آن سخنان ، سر تعظیم فرود آورند (10)

علی (علیه السلام) شهید عظمت خود

جرج جرداق در جای دگر کتابش می نویسد : « در نظر من ، فرزند ابوطالب (علیه السلام) نخستین مرد عرب بود که با روح کلی ، یار و همنشین بود ؛ علی (علیه السلام) شهید عظمت خود شد ؛ او در حالی جان سپرد که نماز را در میان دو لب داشت ، او با دلی سرشار از عشق خدا در گذشت . تازیان (عرب ها) قدر و مقام راستین وی را شناختند تا آن که از همسایگان پارسی آنان مردمانی (11) . « برخاستند که گوهر و سنگریزه را به خوبی از یکدیگر باز شناختند

بیدار کننده بردگان

جرج جرداق مسیحی در بحث « بردگی » نظر علی (علیه السلام) و عمر بن

: خطاب را مقایسه نموده ، می گوید

عمر گفت : مردم را چرا به بندگی گرفتید ؟ و در حال که مادرانشان آنان را «

آزاده زاده اند . این گفتار متوجه اربابان است و جز نصیحتی بیش نیست . ولی

: علی بن ابی طالب (علیه السلام) بندگان را بیدار می کرد و می فرمود

بنده ی دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است « بلندی اندیشه را «

(12) . « بنگر

علی (علیه السلام) کشته عدالت

جرج جرداق کلام رسایی درباره عدالت امام علی (علیه السلام) دارد : « قتل فی

محرابه لعدالته « علی (علیه السلام) به خاطر عدالت خویش در محراب نمازش

(13) . « کشته شد

متلاطم نشدن دریای وجود علی (علیه السلام)

جرج جرداق : « آب های عالم ؛ آب حوض ، آب استخر ، آب دریاچه و آب اقیانوس قابلیت تلاطم را دارد ، ولی چیزی که متلاطم نشد ، دریای وجود علی (علیه السلام) بود که هیچ کس و هیچ چیزی نتوانست آن را متلاطم کند . » (14)

قطب عالم اسلام

جرج جرداق : « علی بن ابی طالب ، در خرد ، یگانه بود ، او قطب اسلام و سرچشمه ی معارف و علوم عرب بود ، هیچ دانشی در عرب وجود ندارد ، مگر آن که اساسش را علی علیه السلام پایه گذاری کرده ، یا در وضع آن ، سهم و (15) . » شریک بوده است

سلطنت بردل ها

جرج جرداق : « ای دنیا چه می شود اگر تمام نیروهای خود را فشرده سازی ، و در هر زمان مردی چون علی را ، با خرد و قلب و زبان و ذوالفقارش بیاوری . اگر چه علی (علیه السلام) چون امویان بر مردم حکومت نکرد و رسالتش برای چنان

حکومتی نبود ، اما حکومت بر دل های مردم پاک سیرت را از دست نداد .
ویژگی هایی که او به عنوان یک انسان نمونه و والا داشت ، این شایستگی را به
(16) . « وی داد که بر دل ها سلطنت کند

شهید بزرگوار

جرج جرداق - ادیب و نویسنده مشهور لبنانی - گوید : « علاقه علی (علیه السلام)
نسبت به مردم ، و محبت و دوستی مردم نسبت به علی (علیه السلام) ، گواه آن
است که بزرگوار حقیقی ، کسی است که دوستدار نیکی باشد و در راه آن شهید
(17) . « شود ، علی (علیه السلام) همان شهید بزرگوار است

کوه استوار

جرج جرداق : « آری علی (علیه السلام) در گذرگاه تاریخ به عنوان امام حق و
نیکی ، همانند کوهی استوار قرار گرفته ، به گونه ای که حوادث کوبنده و
بادهای سخت ، آن را متزلزل نمی کند . آنان که با علی بن ابی طالب (علیه
السلام) دشمنی می کردند هم خود گمراه شدند و هم دیگران را گمراه ساختند
و سرانجام سربه زیر خاک فرو بردند و خاموش شدند و از آن ها نام و نشانی ،
. جز لعن و نفرین اسنان های آگاه باقی نماند

وجدان پاک انسان ها ، آن ها را از بین رفته و ذلیل می شمارد ، اگر گناه و زشتی و تبه کاری ، در پیشگاه وجدان انسان ، ارزش داشته باشد آن ها هم ارزشی دارند
(18) . »

علی (علیه السلام) شعله های فروزان در دل ها

جرج جرداق : « علی بن ابی طالب (علیه السلام) شعله های فروزان در دل ها ، و حرارتی نیرو بخش در جان ها ، و منطقی شفاف بخش در عقل ها است . او مستند شناخته و معتقد است که پیامبر (صلی الله علیه و اله) اسلام وصیت کرده ، و حتی از صحابه ، قلم و دوات خواسته که حضرت علی (علیه السلام) را به جانشینی خود کتباً منصوب کند . ولتر از اجرا نشدن این وضعیت متأسف است و می گوید : آخرین اراده ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) اجرا نشد ، زیرا او علی (علیه السلام) را به جانشینی خود منصوب کرده بود ، و حال آن که پس از
(19) . « مرگش ، عده ای ابوبکر را برگزیدند

یگانه نسخه ی عالم

شبلی شمیل - از پیشتازان مکتب مادیگری - می گوید : « امام علی ابن ابی طالب (علیه السلام) بزرگ بزرگان ، یگانه نسخه ای است که نه شرق و نه غرب ، نه در (20) . » گذشته و نه در امروز صورتی مطابق این نسخه ندیده است

همانند پیامبران (علیه السلام)

جبران خلیل جبران - یکی از بزرگترین نویسندگان و متفکران مسیحی عرب - می گوید : « من معتقدم که فرزند ابوطالب نخستین عرب بود که با روح کلی ، رابطه برقرار کرد . او نخستین شخصیت از عرب بود که لبانش نغمه ی روح کلی را در گوش مردمی طنین انداز نمود که پیش از او نشنیده بودند ... او از این دنیا رخت بر بست در حالی که رسالت خود را به جهانیان نرسانیده بود . او چشم از این دنیا پوشید مانند پیامبرانی که در جوامعی مبعوث می شدند که گنجایش آن پیامبران را نداشتند ، و به مردمی وارد می شدند که شایسته ی آن پیامبران نبودند ، و در زمانی ظهور می کردند که زمان آنان نبود . خدا را در این کار حکمتی است که (21) . » خود داناتر است

شهید عدالت

کارلایل - فیلسوف بزرگ انگلیسی - می گوید : « ما را نمی رسد جز آن که علی

(علیه السلام) را دوست بداریم و به او عشق بورزیم ، چه او جوان مردی است
بس عالی قدر و بزرگ نفس ، از سرچشمه ی وجدانش خیر و نیکی می جوشید ،
از دلش شعله های شور و حماسه زبانه می زد ، شجاع تر از شیر زیان بود ولی
شجاعتی ممزوج با لطف و رحمت و عواطف رقیق و رافت ... در کوفه کشته شد ،
شدت عدلش موجب این جنایت گردید ، چنانکه هر کس را ماند خود عادل می
دید ، پیش از مرگش درباره ی قاتل خود گفت : و اگر زنده ماندم خودم نمی
دانم [با ضارب چه کار کنم] و اگر در گذشتم کار به دست شما است ، اگر
خواستید قصاص نمایید در برابر یک ضربت تنها زنید ، اگر در گذرید به تقوا
(22) . نزدیک تر است

علی (علیه السلام) مظهر حق

میخائیل نعمیه - نویسنده صاحب نظر و متفکر مسیحی عرب - می گوید : « قدرت

نمایی و قهرمانی امام علی (علیه السلام) تنها در حدود میدان های جنگ نبود ،
قهرمانی بود در صفای بصیرت ، و طهارت وجدان ، و سحر بیان ، و حرارت ایمان
، و عمق روح انسانیت ، و بلندی همت ، و نرمی طبیعت ، و یاری محروم و رهایی

مظلوم از چنگال متجاوز و ظالم ، و فروتنی برای حق به هر صورت و مظهري که
حق برایش تجلی نماید ، این نیروی قهرمانی همیشه محرک و انگیزنده است گر
... چه روزگارها از آن بگذرد

دانشمندان غربی پای منبر علی (علیه السلام)

نویسیان - دانشمند مسیحی - می گوید : « اگر امام علی (علیه السلام) این خطیب
با عظمت و این گوینده ی زبر دست ، امروز در همین عصر ، بر منبر کوفه می
نشست ، شما می دیدید که مسجد کوفه با آن همه وسعت ، از مردم مغرب زمین
و دانشمندان جهان برای استفاده از دریای خروشان علم علی (علیه السلام) موج
(23) . » می زد

شیر خدا

واشنگتن ارونیک - محقق و نویسنده آمریکایی - می گوید : « علی (علیه السلام)
از برجسته ترین خانواده های نژاد عرب ، یعنی قریش بود . او دارای سه خصلت
بزرگ : شجاعت ، فصاحت ، و سخاوت بود . روح دلیر و شجاع او بود که او را

شایسته عنوان (شیر خدا) نمود ، لقبی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به او عطا
(24) . «فرمود

ستاره درخشان علم و ادب

دکتر بولس سلامه - ادیب و حقوق دان بزرگ مسیحی - می گوید : « علی (علیه السلام) به مقامی رسیده است که یک دانشمند ، او را ستاره درخشان آسمان علم و ادب می بیند ، و یک نویسنده برجسته ، از شیوه نگارش او پیروی می کند ، و یک فقیه ، همیشه بر تحقیقات و ابتکارات او تکیه دارد . علی (علیه السلام) در قضاوت های خود استثنایی قایل نمی شد ، و به طور مساوی آنچه را که شایسته بود حکم می کرد ، و تفاوتی میان ارباب و بنده نمی گذاشت . علی (علیه السلام) (25) . » همواره از وضع رقت بار یتیمان و فقیران بسیار متأثر و غمگین می شد

دانشمند بی نظیر اسلام

رودلف زیگر - محقق و نویسنده آلمانی - می گوید : « در صدر اسلام علی ابن ابی طالب (علیه السلام) ، یکی از دانشمندان بی نظیر اسلام بود . علی (علیه السلام) در کشورهای دیگر به خصوص در ایران به خوبی شناخته می شد در

حالی که مردی جوان به شمار می آمد ، و کمتر اتفاق می افتاد که یک دانشمند (26) . « جوان بتواند در خارج از زادگاه خویش معروفیت و احترام پیدا کند

نمونه کامل تقوی

ویل دورانت - خاورشناس مشهور انگلیسی - می گوید : « علی (علیه السلام) در جوانی ، نمونه کامل تواضع ، تقوا ، نشاط و اخلاص ، در راه دین است . خوش (27) . « منظر و نیکو خصال ، و پر اندیشه و درست پیمان بود

دروازه ی شهر علم

لامنس - خاورشناس معروف بلژیکی - می گوید : « برای علی (علیه السلام) این بس است که تمام اخبار و معارف اسلامی ، از او سرچشمه می گیرد ، او حافظه و نیروی شگفت انگیزی داشته است . همه علما و دانشمندان ، اخبار و احادیث خود را برای وثوق و اعتبار به او می رسانند . علمای اسلام از مخالف و موافق ، از دوست و دشمن ، مفتخرند که گفتار خود را به علی (علیه السلام) مستند کنند ؛ چه گفتار او حجیت قطعی داشت و او دروازه ی شهر علم بود ، و با روح کلی (28) . « پیوستگی کامل داشت

رینولدالین نیکلسون - محقق و خاورشناس معروف انگلیسی - می گوید : « علی (

علیه السلام) برجستگی ها و فضایل بسیار داشت . او هوشیار ، دور اندیش ،

(29) . « شجاع ، صاحب رای ، حلیم ، وفادار و شریف بود

علی (علیه السلام) مرد عقیده و احتجاج

ابوالفرج اهرن مشهور به ابن العبری - مورخ و دانشمند مسیحی - می گوید : «

علی (علیه السلام) بود که در عصر خلفا ، خلأ ناشی از فقدان حضرت رسول

اکرم (صلی الله علیه و آله) را جبران نمود . او مبارزات عقیدتی را ، پس از

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بر عهده داشت . احتجاجات و مناظرات آن

. حضرت ، در تاریخ گواه این مدعی است

وجود مقدس حضرتش ، در کنار خلفا ، خلأیی را که از فقدان مقام والای نبوی

حاصل شده بود ، پر می کرد و کتاب های شیعه و سنی ، سرشار است از این

گونه مسایل ، و نمونه بارزش سخن عمر : « لولا علی لهلك عمر » است ؛ که

(30) . « حداقل هفتاد بار آن ، در تاریخ ضبط گردیده است

پی نوشت:

1. اسد عزیزاده ، اکبر ، امام علی علیه السلام از نگاه اندیشمندان غیر شیعه ، ص 100- 101 .
2. همان ، ص 101 - 102 .
3. سراج ، محمد ابراهیم ، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب ، ص 324 .
4. همان .
5. همان ، ص 325 .
6. کریم خانی ، صمدانی ، علی علیه السلام فرانسوی ادیان ، ص 16 .
7. سراج ، محمد ابراهیم ، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب ، ص 325 .
8. همان ، ص 331 .
9. همان ، ص 333 .
10. جرج جرداق ، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی ، ترجمه ی هادی خسرو شاهی ، ج 4 ، ص 468 .

11. همان ، ص 467

12. جرج جرداق ، الأمام على عليه السلام صوت العدالة الأنسانيه ، ج 5 ، ص 1222.

13. جرج جرداق ، امام على عليه السلام صدای عدالت انسانی ، ترجمه ی هادی . خسرو شاهى ، ج 1 ، ص 227

14. مظاهری ، حسین ، چهارده معصوم ، ص 49

15. همان ، ص 52

16. جرج جرداق ، الأمام على عليه السلام صوت العدالة الأنسانيه ، ج 1 ، ص 103 .

17. رهبر ، محمد تقی ، على عليه السلام ابر مرد مظلوم ، ص 292

18. جرج جرداق ، امام على عليه السلام صدای عدالت انسانی ، ترجمه هادی . خسرو شاهى ، ج 6 ، ص 716

19. همان ، ص 716 - 717

20. جمعی از دبیران ، داستان غدیر ، ص 293

21. جعفری ، محمد تقی ، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ، ج 1 ، ص 171
22. عبدالفتاح عبدالمقصود ، الأمام علی بن ابی طالب علیه السلام ، ج 1 ، مقدمه . ، ترجمه ی سید محمد مهدی جعفری ، ص سیزده
23. همان ، ص پانزده
24. رضایی ، عبدالرحمن ، در آستانه آفتاب ، ص 39
25. کریم خانی ، صمدانی ، علی علیه السلام فراسوی ادیان ، ص 15
26. همان ، ص 20
27. همان ، ص 23
28. همان ، ص 24
29. همان ، ص 25
30. همان ، ص 27
31. همان ، ص 33

نام های ترکیبی با علی

غالباً نام «علی» را جزء نام های خود قرار می دهند که یک جزء آن علی است و جزء دیگرش یا نام ماهی است که در آن ماه، چشم به عالم هستی گشوده مانند مهر علی، صفر علی، رجب علی، شعبان علی، رمضان علی، و یا نام فصلی است که در آن فصل قدم به عرصه وجود نهاده مانند نوروز علی، بهار علی و... خلاصه یک جزء از نام ها را به مناسبتی انتخاب و آن را با نام علی مزین می کنند و آن را نام می گذارند.

در این مطلب اسامی ترکیبی پسرانه با اسم علی را مشاهده می کنید.

اسم علی به معنای بلند، بلند بر آمده، بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا، کلان، نامی از نام های خدای تعالی، (در اعلام) نام امیرالمؤمنین علی (ع) می باشد.

نام های ترکیبی با علی

- علی رضا (علیرضا): کسی که علی علیه السلام از او راضی است مرکب از دو اسم علی و رضا

• امین علی : امین (استوار، امانت داردرستکار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• امان علی : امان (پناه، فرجه، امن، ایمن) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• امانت علی : امانت (درستکاری، راستی) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• ایمان علی : ایمان (اطمینان، اعتقاد، باور، باورداشت، عقیده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• اسلام علی : اسلام (دین حق) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• آقام علی : آقام (سلطان بزرگ، امیر والامقام) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• ابوعلی : ابو (پدر) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• اهل علی : اهل (صلاحیت دار، مطلع، وارد) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

- اکرم علی : اکرم (بخشنده تر، گرامی تر) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- افضل علی : افضل (برتر، بهتر، فاضل تر) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- امجد علی : امجد (بزرگوار و جوانمرد و باشرف) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- اسد علی : اسد (شیر، شیر درنده، کنایه از شجاعت و بی باکی است) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- احیا علی : احیا (زندگی، زندگی از نو، خاندان) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- امیر علی : امیر (حاکم، درجه ای پایین تر از پادشاه) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- احمد علی : احمد (ستوده ترین) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- علی آقا : آقا (سلطان بزرگ، امیر والامقام) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

- علی آرمین : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) آرمین (مرد همیشه پیروز)
- علی آریا : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) آریا (آزاده، نجیب)
- علی آراین : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) آراین (مرد آریایی)
- علی احسان : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) احسان (انعام، بخشش، خوبی)
- علی اکبر : علی بزرگتر، نام پسر امام حسین (ع)
- علی اصغر : ابن حسین بن علی ع بن ابی طالب فرزند شیر خواره امام حسین ع
- علی بابا : علی بابا نام شخصیتی در داستان علی بابا و چهل دزد بغداد
- علی حسین : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) حسین (علی بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- علی حسام : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) حسام (تیغ، سیف، شمشیر)
- علی محمد : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) محمد (ستوده، بسیار تحسین شده)

- علی معین : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) معین (آشکار، روشن، مشخص، معلوم)
- علی حکیم : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) حکیم (عارف، فیلسوف، دانش پژوه، دانشمند)
- علی مراد : مرکب از علی (بلندمرتبه) + مراد (آرزو)، نام یکی از پادشاهان زندیه
- علی مهران : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) مهران (به معنی دارنده ی مهر)
- علی محمود : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) محمود (ستوده، ممدوح، ستایش شده، نیک)
- علی میرزا : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) میرزا (شاهزاده و امیرزاده)
- علی نیکان : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) نیکان (منسوب به نیک)
- علی پناه : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) پناه (امان، پناهگاه)
- علی داد : علی (عربی) + داد (فارسی) داده علی (ع)

- علی ہمت : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) ہمت (فتوت، والا منشی)
- علی ہمایون : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) ہمایون (بختیار، خجستہ، خوش یمن)

- علی کرم : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) کرم (بخشش، بخشنندگی)
- علی یار : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) یار (جانانہ، جانان، دلبر، دلدادہ)

- علی یاور : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) یاور (پشتیان، حامی، دستگیر، دستیار)

- علی بالا : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) بالا (اوج، راسسر، صدر)
- علی جمعہ : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) جمعہ (آدینہ)

- علی کیان : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) کیان (دارا، پادشاہان و سلاطین)

- علی گوہر : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) گوہر (اصل، تبار، حسب، نژاد)

• علی ماهان : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) ماهان (نام پسر کیخسرو،
پسر اردشیر)

• علی مبین : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) مبین (آشکارکننده، آشکار،
روشن، هویدا)

• علی متین : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) متین (باوقار، جافتاده،
سنگین)

• علی مولا : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) مولا (آقا، اربابسرور،
صاحب)

• علی مصلح : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) مصلح (اصلاحگر، اصلاح
کننده، خیراندیش)

• علی ماشاءالله : مورد تحسین

• علی مهدی : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) مهدی (هدایت شده)

• علی فرحان : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) فرحان (شاد، شادان،
مسرور، خوشحال)

- علی عباس : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) عباس (اخمو، عبوس)
 - علی طاها : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) طاها نگارش فارسیانه طه
- می باشد] - نام سوره ای در قران کریم

- علی سالار : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) سالار (سردار، فرمانده، رئیس، سرور)

- علی ساجد : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) ساجد (سجده کننده، سجده گر، سجاد)

- علی سام : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) سام (بیماری، مرض، ناخوشی، ورم)

- علی سینا : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) سینا (از شخصیت‌های شاهنامه)
- علی سناء : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) سناء (موجب روشنایی)
- علی عماد : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) عماد (پالار، رکن، ستون، تکیه گاه)

- علی عطا : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) عطا (احسان، انعام، بخشش، تعارف)

- علی قلی : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) قلی (بنده)

- علی رحم : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) رحم (بخشایش، عفو)

- علی یار : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) یار (جانانه، جانان، دلبر، دلداده)

- علی رام : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) نرم (مطیعنرم شانه، آرام)

- علی قاسم : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) قاسم (بخش کننده، مقسم)

- علی یاشار : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) یاشار (جاویدان، همیشه زنده)

- علیسان : مانند علی بلند قدر، بزرگ

- علیرام : علی مرام، علی صفت

- علیسا : شبیه علی

- علیشا : بلند قدر

• عبدالعلی : بنده علی

• عباس علی : عباس (اخمو، عبوس) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مرتضی علی : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) مرتضی (پسندیده شده، مورد رضایت)

• مهر علی : مهر (عاطفه، عشق، عطوفت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مراد علی : مراد (تقاضا، حاجت، خواهش) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• چراغ علی : چراغ (فارسی) + علی (عربی) روشنایی ای که از علی می تابد

• سبز علی : علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا) سبز (بانشاط)

• رحمان علی : رحمان (مهربان و بخشنانده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• زلف علی : زلف (کاکل، گلاله، گیسو، گیس، مو) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• خیر علی : خیر (صدقه ده، صدقه رسان، نیکو کار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• غلام علی : غلام (جوان، طفل، فرزند، بنده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• صاحب علی : صاحب (معاشر، همراه، هم سفر) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حسین علی : حسین (خوب، نیکو) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حسن علی : حسن (وجاهت، خویخوشی، نیکویی) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• قادر علی : قادر (با قدرت، پرتوان، توانا) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• قدرت علی : قدرت (توان، زور، قوت، قوه) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• پنج علی : پنج (فارسی) + علی (عربی) مرکب از پنج (پنجه) + علی (بلند مرتبه)

• شاد علی : شاد (بانشاط، بشاش، خرم، خشنود) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• بابا علی : بابا علی ممکن است اشاره به اشخاص و شخصیت های ذیل باشد:
بابا علی رودباری، بابا شیخ علی رودباری از عرفای اصفهان

• بهار علی : بهار (شکوفه، بت خانه، بتکده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• بنیاد علی : بنیاد (بیخ، پایه، ته، اصل، ریشه) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• باقر علی : باقر (شکافنده، گشاینده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• بشارت علی : بشارت (خبرخوش، مژدگانی، مژده، نوید) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• پیر علی : پیر (جاافتاده، سالخورده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• پناه علی : امان (امان، پناهگاه، حفاظ، زنهار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حاجی عل : حاجی (آنکہ فریضہ ُ حج گذاشته) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حمزہ علی : حمزہ (شیر، شیر بیشہ) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حکم علی : حکم (دستور، رایقضاوت، داوری، فرمان) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حیات علی : حیات (جان، زند گانی، زندگی، زیست، طول عمر) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• ناصر علی : ناصر (غالب، فاتح، مدد کار، یار، یاریگر، یاور) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• ناد علی : علی را بخوان، نام دعایی

• هاشم علی : هاشم (شکننده، خرد کننده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• همت علی : همت (فتوت، تصمیم، عزم، اراده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• همراه علی : همراه (دوست، رفیق، همقدم، همگام) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• همدم علی : همدم (انیس، دلارام، دمساز، رفیق) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• یاسین علی : یاسین (سوره ی سی و ششم از قرآن کریم، دارای صد و هشتاد و یک آیه) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• یاشار علی : یاشار (جاویدان، همیشه زنده - عمرکننده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• یار علی : یار (دلداد، دلدار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• یاور علی : یاور (پشتیان، حامی، دستگیر، دستیار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• یقین علی : یقین (اطلاع، اطمینان، اعتقاد) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• راه علی: در مسیر علی حرکت کردن

• حجت علی : حجت (استدلال، برهان، بینه، دلیل) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حامد علی : حامد (ستایشگر، ستاینده، مداح) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حمایت علی : حمایت (پشتیبانی، جانبداری، حفاظت، حفظ، دفاع) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• خیر علی : خیر (خیر منطقه ای در شمال مدینه است) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• حیز علی : حیز (جا، محل، مکان، کرانه) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• خیرات علی : خیرات (اعمال حسنه. کارهای نیکو) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• دین علی : دین (آیین، شرع، شریعت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• دنیا علی : دنیا (آفاق، جهان، دهر، زمانه) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

- دوست علی : دوست (آشنا، رفیق) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- ذکر علی : ذکر (یاد، یادمان، ورد) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- ذوالفقار علی : ذوالفقار (نام شمشیر حضرت علی (ع)) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

- رضا علی : رضا (خشنود، خوشحال، خوشدل) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- رضوان علی : رضوان (بهشت، خشنودی، رضامندی) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- ریاض علی : ریاض (روضه ها، باغها) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- رحم علی : رحم (بخشایش، دلسوزی، مهربانی) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- رحمت علی : رحمت (بخشش، رافت، رحم، شفقت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- ربیع علی : ربیع (بهار، بهاران) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

- سعادت علی : سعادت (بختیاری، برکتخجستگی، خوشبختی، خوشی) علی
(بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- سخاوت علی : سخاوت (بخشش، بخشندگی، جوانمردی، جود) علی (بلند
قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- سلامت علی : سلامت (بهداشت، صحت، راحت، امنیت، بهبود) علی (بلند
قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- سحاب علی : سحاب (ابر، رباب، غمام، غمامه) علی (بلند قدر، بزرگ،
شریف، توانا)
- شمس علی : شمس (، خورشید، شید، مهر، میترا، هور) علی (بلند قدر،
بزرگ، شریف، توانا)
- شعبان علی : شعبان (نام ماه هشتم از سال قمری) علی (بلند قدر، بزرگ،
شریف، توانا)
- شوق علی : شوق (آرزومندی، اشتیاق، دلبستگی، ذوق) علی (بلند قدر،
بزرگ، شریف، توانا)

- شجاعت علی : شجاعت (جنگجویی، دلاوری، دلیری، رشادت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- شفقت علی : شفقت (ترحم، دلجویی، دلسوزی، رافت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- فضل علی : فضل (ترحم، دلجویی، دلسوزی، رافت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- فیض علی : فیض (بخشش، برکت، عنایت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- قامت علی : قامت (اندام، بالا، تنہ، قد، ہیکل) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- قاضی علی : قاضی (حاکم، حکم، دادرس، داور) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)
- محرم علی : محرم (رازپوش، رازدار، رازنگہدار، سرنگہدار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• محب علی : محب (حبیب، دوست، دوستدار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مروت علی : مروت (انسانیت، انصاف، رحم، جوانمردی) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• میرزا علی : میرزا (شاهزاده و امیرزاده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مرد علی : مرد (بشر، رجل، شایسته) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مرحمت علی : مرحمت (احسان، اکرام، تفضل، رافت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مهدی علی : مهدی (هدایت شده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• منور علی : منور (درخشان، روشن، نورانی) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• محسن علی : محسن (شاهنده، صالح، نیکوکار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مؤمن علی : مومن (باایمان، بادیانت، پارسا، پرهیزگار) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مجتبی علی : مجتبی (برگزیده شده، انتخاب شده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• محبت علی : محبت (دلدادگی، دوستی، شفقت، صمیمیت) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• محمد علی : محمد (ستوده، بسیار تحسین شده) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• محمد انور علی : محمد (ستوده، بسیار تحسین شده) + انور (روشن تر) + علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• محمد جعفر علی : محمد (ستوده، بسیار تحسین شده) + جعفر (نام فرزند ابوطالب و برادر امام علی (ع)) + علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مرتضی علی : مرتضی (پسندیده شده، مورد رضایت و پسند) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مونس علی : مونس (آشنا، انیس، همدم، هم راز) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• مصطفی علی : مصطفی (برگزیده، منتخب) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• نور علی : نور (روشنایی) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)

• نوروز علی : نوروز (بزرگترین جشن ملی اقوام ایرانی) علی (بلند قدر، بزرگ، شریف، توانا)